

اشعار انتقادی - اجتماعی حافظ

www.ketab.ir

دکتر طاهره ایشانی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سرشناسه: ایشانی طاهره، ۱۳۵۱ -

عنوان و نام پدیدآور: اشعار انتقادی - اجتماعی حافظ / طاهره ایشانی.

مشخصات نشر: تهران؛ دولت علم ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.؛ جدول، نمودار.

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۸۱۸۰۶۸ : ۲۸۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: شعر فارسی - قرن ۸ ق. - تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry - 14 th century - History and criticism

موضوع: حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ ق - نقد و تفسیر

موضوع: Hafiz, Shamsoddin Muhammad, 14 th century - criticism and interpretation

موضوع: حافظ، شمس الدین محمد، - ۷۹۲ ق - دیدگاه درباره ریا

موضوع: Hafiz, Shamsoddin Muhammad, 14 th century - View on hypocrisy

موضوع: شعر فارسی - قرن ۸ ق. - جنبه‌های اجتماعی

موضوع: Persian poetry - 14 th century - Social aspects

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۳۰۱۵ الف ۵۳۰ PIR

رده بندی دیویی: ۸۱۳/۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۵۶۳۰۴

انتشارت دولت علم

نام کتاب: اشعار انتقادی - اجتماعی حافظ

پدیدآور: دکتر طاهره ایشانی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۷

چاپ اول

شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۸۱۸۰۶۸

نشانی: تهران - خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - پاساژ فروزنده - واحد ۴۱۲

Email: dolateelm@gmail.com

تلفن: ۶۶۴۷۷۶۲۵

کلیه حقوق این کتاب نزد ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

درآمد	۹
-------	---

فصل اول

ادبیات انتقادی	۲۰
شرایط تاریخی عصر حافظ	۲۵

فصل دوم

بررسی اشعار انتقادی حافظ	۳۶
انتقاد از زاهدان	۳۶
انتقاد از زهد ریایی در جامعه	۵۲
انتقاد از صوفیان	۵۷
انتقاد از خرقه ریایی	۸۸
انتقاد از واعظان و بیزاری از شنیدن وعظ و اندرز آنان	۱۰۱
انتقاد از شیخ	۱۰۹

انتقاد از قاضی	۱۱۸.
انتقاد از محتسب	۱۱۸.
انتقاد از فقها، مفتیان و امام شهر	۱۲۹.
انتقاد از عارفان، سالکان و مشایخ طریقت	۱۳۲.
انتقاد از مردم زمانه	۱۳۷.
انتقاد از زمانه و اوضاع	۱۴۱.
انتقاد از مدعیان	۱۵۶.
انتقاد از حسودان	۱۶۲.
انتقاد از توانگران	۱۶۵.
انتقاد از نقل گرایان	۱۶۶.
انتقاد از ملاسکران، غیبی، حیوان	۱۶۸.
انتقاد از رقیب	۱۷۰.

فصل سوم

خلاصه بحث و نتیجه گیری	۱۷۵.
تحلیل و بررسی صفات مذموم و انتقاد شده در شعر حافظ	۱۸۶.
تحلیل و بررسی شیوه‌های انتقادی حافظ نسبت به هر یک از افراد منتقد	۱۹۲.
سخن آخر	۲۳۵.
فهرست منابع	۲۳۹.
فهرست جداول	۲۴۷.
فهرست نمودارها	۲۴۸.

درآمد

ادبیات و آثار ادبی گاه و بی گاه تابع رویدادهای سیاسی و اجتماعی هستند و جهت گیری ها و مسائلی که در ادبیات مطرح می شوند، از تغییرات مهم در جامعه تأثیر می پذیرند. مجموعه این مسائل است که زمینه را برای بررسی تأثیر رویدادهای اجتماعی در ادبیات فراهم می آورد. عبارت دیگر، اوضاع اجتماعی — سیاسی و نحوه زندگی مردم و آداب و رسوم آنها زمانه به صورت مستقیم و گاهی به شکلی ضمنی در آثار ادبی منعکس می گردد. چنان که رنه ولف و آوستن وارن بر این باورند که «ادبیات نهادی اجتماعی است و نیز از زبان به عنوان رسانه به زبان استفاده می کند که آفریده اجتماع است... از این گذشته، ادبیات «زندگی» را به بهترین درمی آورد و «زندگی» تا حدود زیادی یک واقعیت اجتماعی است؛ هرچند جهان بیعی و جهان درونی و ذهنی فرد نیز در ادبیات موضوع «تقلید» واقع می شود» (۱۳۸۲: ۹۹).

از سوی دیگر، یکی از مسائل شایان بررسی در ادبیات فارسی، ادبیات انتقادی است. اگر به تاریخ ادبیات فارسی کشورمان نگاهی بیندازیم، خواهیم دید آثار زیادی در قالب شعر هست که در آنها انتقادهای سیاسی و اجتماعی یافت می شود. در ادبیات انتقادی، شاعر یا نویسنده معایب و نارسایی های اخلاقی و رفتاری فرد یا اجتماع را به صورت هجو، یا به زبان هزل و طنز بیان می کند (رزمجو، ۱۳۸۵: ۸۹). به عبارتی، در ادبیات انتقادی شاعر یا نویسنده مشکلات اجتماعی، دینی، سیاسی و گاه اقتصادی را به

شکل‌ها و شیوه‌های مختلف و متفاوت بیان می‌کند و به انتقاد از آن‌ها می‌پردازد. در این نوع ادبیات، تفکرات فلسفی، مذهبی و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی خاص مطرح می‌شود و مهم‌ترین مضامین موجود در آن «بزرگداشت آزادی و استقلال، وطن‌دوستی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با استبداد و جهل و فقر و فساد اجتماعی و حمایت از طبقات محروم جامعه است» (همان: ۸۳).

رمان آثار ادبی ایران، از نخستین قرن‌های پس از اسلام در نتیجه رویدادهای اجتماعی آثاری وجود دارد که در آن‌ها انتقادهای سیاسی و اجتماعی یافت می‌شود. به‌طور مثال نهضت شعوبیه سبب تولید آثار حماسی‌ای گردید که در بطن خویش دربردارنده انتقاد از اوضاع و احوال آن زمان نسبت به شرایط حاکم بر جامعه بود. در واقع، تفکر شعوبیه سبب ترویج ادب انتقادی به صورت آرام و آهسته بود و نمود آن را می‌توان در آثار حماسی سروده شده پس از این تاریخ مشاهده نمود. به‌طوری که گفته شده «یکی از علل عمده توجه ایرانیان در عهد ساسانی و در تمام قرن پنجم آثاری بود که از نهضت شعوبی و قیام ملکی ایرانیان در ذهن آن‌ها مانده و به عبارت دیگر فکر مفاخرت به اسلاف و تفضیل قوم ایرانی بر دیگر اقوام جهان محرک اصلی نویسندگان و شاعران در جمع و نظم روایات ملی بود» (صفا، ۱۳۷۹: ۱۰۶). عمده‌ای همچون شاهنامه، انتقادگری پنهان و ضمنی فردوسی نسبت به شرایط موجود و به کوت مردم نسبت به چنین شرایطی است.

همچنین پیدایش تعصب مذهبی و گسترش فرقه‌های مختلف که با نگرش‌های کلامی خاص از قرن پنجم به بعد در آثار شاعرانی همچون ناصر خسرو قبادیانی بلخی نمود یافت، می‌تواند نوعی انتقاد محسوب گردد. تقریباً از همین دوره به بعد انتقادها و اعتراض‌های صریح و غیرصریح شاعران و نویسندگان در میان آثار ادبی ملموس‌تر می‌گردد. چنان که در قرن ششم شاهد انتقادهای سنایی نسبت به اوضاع آشفته ایران

هستیم. سنایی از پیشتازان شعر منتقدانه و راهگشای تحولی تازه در ادبیات اجتماعی است. به طور نمونه سنایی در غزلی با مطلع:

عشق از این معشوقگان بی وفادل برگرفت دست ازین مثنی ریاست جوی دون بر سر گرفت
(۱۳۶۲: ۸۳۵)

پس از اشاره به شرایط جامعه فاسد، در چند بیت بعد به انتقاد از اوضاع زمانه می پردازد:

زین عجایب تر که چون دزد از خزینت نقد برد دیده بان کور گوش پاسبان کر گرفت
این مرفع ها و اوس ها و رنگ ها امر معروفست کز وی جان ها آذر گرفت

خاقانی، دیگر شاعر فردی که هم نیز در ابیاتی که از برخی افراد، از جمله رقیب شعری خویش آزرده خاطر است و به خطا شروان - شهر خویش - خطا فراق کشیده و به طور ضمنی به انتقاد از چنین افرادی پرداخته است:

بی بدرقه به کوی وصالش گذشته ام بی واسطه به حضرت خاصش رسیده ام
این مرغ آشیان از ل را به تیغ عشق پس سبزه را پرده او سر بریده ام
وین مرگب سرای بقا را به رغم خصم جل در کشت پیش در او کشیده ام
والا جمال دین محمد، محمد آنک از کل کون، محمد او برگزیده ام
آزرده ام ز زخم سگ گرچه لاجرم خطا فراق بر خطا شروان کشیده ام
لکن بدان دیار نیایم ز ترس آنک بر آه است در ره و من سگ گزیده ام

(۱۳۸۲: ۶۴۷)

با حمله مغول در قرن هفتم و رواج فساد در جامعه از سویی و اختناق و خفقان موجود در جامعه از سوی دیگر؛ بخش مهمی از ادبیات انتقادی فارسی شکل گرفت و شاعران در قالب هجو، هزل، طنز و... به انتقادهای ضمنی و یا مستقیم پرداختند و بستری مناسب برای بیان مشکلات و مسائل و اوضاع آشفته جامعه فراهم گردید.

چنان که صفا در این باره می نویسد: «شعر انتقادی که در قرن ششم در ادبیات فارسی رواج یافته بود، در قرن هفتم و هشتم به علت آشفته‌گی اوضاع زمان، میدان مساعدی برای توسعه پیدا کرد. در این دو قرن که دوره استیلای مغولان و حکومت‌های ناصالح بر ایران بود، مفاسد اجتماعی رواج روزافزون یافت و به همان نسبت هم انتقادهای اجتماعی شدیدتر شد و حتی گاهی به صورت هزل جلوه کرد» (۱۳۷۹: ۳۳۳). به طور نمونه، سعدی در غزل زیر به انتقاد از افراد به ظاهر سالک طریق حق می پردازد:

از جان برون نیامده جانانت آرزوست ز ناز نابریده و ایمانت آرزوست
بر درگهی که نوبت ارنی همی زنند موری نه‌ای و ملک سلیمانت آرزوست
موری نه‌ای و حدیث مری نکرده‌ای وانگاه صف صفه مردانت آرزوست....
(۱۳۷۸: ۸۴۵)

همچنین عبید زاکانی با اشعار طنزآمیز گریزی به ناهنجاری‌های جامعه و معضلات زمان خود دارد. حافظ نیز هم عصر این شاعر طنزپرداز است؛ از کنار مشکلات اجتماعی و اخلاقی جامعه به راحتی نگذاشته و در جای جای دیوان خویش اشاراتی به آن‌ها داشته است. خرمشاهی در باب این شعر انتقادی، هیچ شاعری را - تا زمان حافظ - برتر از حافظ نمی داند و بر این عقیده است که «ما در طول تاریخ ادبیاتمان غیر از عصر جدید، یعنی از رودکی و منوچهری و فردوسی به این طرف - تا حدود یک قرن پیش که افکار جدید آزادی خواهی و اصلاح اجتماعی مطرح می شود - چنین شاعری نداریم. در دنیای قدیم اصلاً مسائل اجتماعی را یا نمی دیدند یا ناگفته می گذاشتند و چنین هشیاری‌ها و حساسیت‌ها در افق فرهنگ ما کمتر مطرح بوده که شاعری این قدر به آفات اجتماعی بپردازد. مقام سعدی نیز از این نظر محفوظ است؛ ولی سلاح انتقاد سعدی، برآیی سلاح حافظ را هم ندارد و غالباً از حد معلّم اخلاق و ناصح مشفق، فراتر نمی رود. صومعه و صومعه نشینان، خانقاه و خانقاه نشینان،

خرقه و خرقه پوشان، اعم از صوفی و زاهد و شیخ و محتسب - حتی اگر محتسب پادشاه مقتدری چون امیر مبارزالذین بود - و مجلس وعظ هم، آماج طنز و انتقاد و انتقادهای طنزآمیز حافظ است» (۱۳۸۰: ۳۱ و ۳۲). به ویژه این که حافظ در دورانی می زیسته که «وضع اجتماعی و سیاسی ایران در اوایل و اواسط قرن هشتم هجری بسیار نامطلوب و ناپایدار بوده و آحاد و افراد مردم دچار انواع ادبار بوده اند» (همایون فرخ، ۱۳۵۴: هشاد). بنابراین، غزل انتقادی که با سنایی غزنوی در میان آثار ادبی به خودنمایی می ردازد؛ در شعر حافظ نمودی کامل تر می یابد.

نکته شایانِ توضیح این است که حافظ گرچه گهگاه به نقد برخی از پدیده های اجتماعی و یا داعیه داران بعضی از امور پرداخته؛ اما صرفاً برای نقد قلم نزده است و نباید این موضوع را فراموش کرد که شهرت حافظ در آفرینش اثری هنری و بدیع است که با رعایت تناسب، ایهام تناسف، جناس، تشبیه، کنایه، مجاز و دیگر آرایه های لفظی و معنوی دست به این کار زده است و اثر در این میان نقدی یا طنزی هجو گونه رخ بنماید، همه و همه سایه نشین هنر شاعری ویندازد.

درواقع، حافظ با این که شاعری است غزل پرور؛ اما نسبت به معضلات اجتماعی عصر خود بی تفاوت نگذشته و در سایه سار غزلیات ناب خویش، کرشه چشمی نیز به مسائل اجتماعی داشته و گاه به انتقاد از آن پرداخته است. به هر حال، هرچند شهرت حافظ در سرودن غزلیات هنری نابی است که برخاسته از ذوق و استعداد خدادادی وی است؛ اما اشعاری انتقادی و اعتراض گونه نیز سروده است و اگر پژوهشی در زمینه اشعار انتقادی حافظ به طور خاص انجام می گیرد؛ به معنای این نیست که صبغه غزلیات انتقادی حافظ پررنگ تر از دیگر اشعار اوست بلکه این معنا را دربر خواهد داشت که شاعری با این هنر بی نظیر، صرفاً به خلق اثری کاملاً هنری نمی اندیشیده و نسبت به جامعه عصر خویش بی تفاوت نبوده است. چنان که ایشان

در باب شکل و مضمون غزل و تحول آن به شکل امروز می نویسد: «غزل فارسی - از نظر شکل - سه مرحله کلی از اشعار ملحون تا غزل به شکل تکامل یافته امروزی را پشت سر گذاشته است. از سوی دیگر، محتوا و مضمون غزل غالباً در ذکر زیبایی های معشوق و ستایش او، احوال عاشق و بیان تألمات درونی وی، قصه ی عشق و دلدادگی و... بوده است؛ اما به مرور زمان، مضامین مدحی، تعلیمی، عرفانی و... چه به شکل تک مضمونی و چه به صورت چندمضمونی در یک غزل وارد گردید. ضمن این که بدریغ مضامین سیاسی و اجتماعی - به ویژه بن مایه انتقادی و اعتراضی - نیز در میان مضامین غزل جای پای برای خود باز نمود و دایره مضامین غزل را گسترده تر نمود» (۱۳۹۲: ۱۱۱).

بنابراین، پرداختن به ادبیات انتقادی به صورت کلی و اشعار انتقادی حافظ به صورت خاص از ضرورت های ادبی کشور محسوب می شود که متأسفانه تاکنون به صورت جامع، علمی و طبقه بندی شده به آن پرداخته نشده است. به طوری که حتی کتابی مستقل با نام ادبیات انتقادی در میان آثار علمی کشور مشاهده نمی شود. نگارنده این سطور بر آن است به شکلی مبسوط و با رعایت سبک و واکاوی اشعار انتقادی این شاعر بزرگ بپردازد و این اشعار را هم از نظر محتوا و مضمون و هم شیوه ها و روش های انتقاد شناسایی و تحلیل نماید.

سؤالاتی که در این پژوهش مورد نظر است و به آن ها پاسخ داده می شود؛ عبارت اند از این که: اشعار انتقادی حافظ کدام اند و به چه شیوه هایی مطرح گردیده اند؟ همچنین شیوه های بلاغی و بیانی انتقاد حافظ نسبت به بزرگان، حاکمان، عرفا و طبقات مختلف جامعه چگونه است؟ و این گونه اشعار حافظ تا چه حد آینه ای از شرایط اجتماعی و سیاسی عصر وی بوده است؟

شایان یادآوری است در زمینه ادبیات انتقادی گاه پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی نوشته شده است که در بررسی‌های انجام‌شده، هیچ نوع تحلیلی با این رویکرد و به صورت خاص بر روی اشعار حافظ انجام نشده است. در میان مقالات و تحقیقات انجام‌شده مطالبی مشاهده می‌شود که با چارچوب و روش کار طرح پیش‌رو متفاوت است. به برخی از این آثار در ادامه اشاره می‌گردد:

- «اعتراض در ادب فارسی در سده‌های ۶ و ۷»: معصومه عربعلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی کرج.

چنان‌که مشاهده می‌گردد این پژوهش مربوط به قرن ۶ و ۷ هجری است و اشعار انتقادی حافظ را دربر نمی‌گیرد.

- «تحلیل سیر انتقادهای سیاسی و اجتماعی در شعر فارسی از آغاز تا نیمه اول قرن ۷»: شکرالله پورالخاص نوکنده‌ی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس.

این اثر نیز مرتبط با دوره مورد بحث یعنی زمان حافظ نیست. ضمن این‌که با بررسی این تحقیق، نگارنده مشاهده نمود که تحلیلی درباره اشعار انتقادی شاعران مورد بحث صورت نگرفته و درواقع بیشتر بیان شاهد مثال از شاعران همچون فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، نظامی، جمال‌الدین اصفهانی، عطار نیشابوری و سعدی است. لذا پژوهشگر محترم بیشتر به سیر انتقادهای سیاسی و اجتماعی در شعر دوره مذکور و تحلیل این سیر و روند پرداخته است.

- «ریشه اعتراض در غزل از سده ۶ تا ۹ هجری»: جمشید مقصودی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی.